

تابستان‌های بزمه!

سمیرا سرجمی

گزارش

و حتی برنامه‌های فرهنگی کوچک در فضای باز. چنین اقداماتی نه تنها موجب شادی خانواده‌ها می‌شود بلکه به تقویت روحیه جمعی و نشاط اجتماعی نیز کمک می‌کند.

شهرهایی مانند سیرجان با وجود پتانسیل‌های طبیعی و انسانی خود، می‌توانند با برنامه‌ریزی ساده به فضایی شاداب‌تر و زنده‌تر تبدیل شوند. برای مثال، شهرداری می‌تواند با همکاری خیرین یا حتی انجمن‌های مردمی، تجهیزات ایمن و استاندارد برای پارک‌ها تهیه کند. یا با نصب چند پروژکتور و چراغ در فضاهای سبز، امنیت و جذابیت پارک‌ها را در ساعات شب افزایش دهد.

نبود سینما، سالن‌های تئاتر فعال یا کتابخانه‌های پویا نیز بخشی دیگر از این مشکل است. وقتی چراغ هنر و فرهنگ در یک شهر خاموش شود، جوانان ناگزیر برای تفریح و سرگرمی به مسیرهای دیگری کشیده می‌شوند که گاه پرخطر و آسیب‌زا است. در حالی که اگر فضایی برای نمایش فیلم‌های روز یا اجرای نمایش‌های محلی وجود داشته باشد، هم سرگرمی سالم فراهم می‌شود و هم هویت فرهنگی شهر تقویت خواهد شد.

در نهایت، باید گفت که شادی و نشاط اجتماعی تنها در گرو اقتصاد یا رفاه مادی نیست؛ بلکه بیش از هر چیز به «احساس تعلق» شهروندان به شهرشان وابسته است. وقتی مردم ببینند فضاهای عمومی امن، تمیز و رایگان در اختیارشان است، نه تنها رضایت بیشتری از زندگی خواهند داشت، بلکه رابطه میان شهروندان و مدیریت شهری نیز بهبود پیدا می‌کند. پارک‌ها و مراکز فرهنگی می‌توانند به جایگاه واقعی خود بازگردند، به شرط آن‌که مسئولان شهر اهمیت این موضوع را درک کرده و برای آن سرمایه‌گذاری کنند.

جوان برای تفریح بی‌کلاه نمی‌ماند. در شهر ما چراغ سالن تئاتر همیشه روشن بود ولی حالا هیچ خبری از آن شور و نشاط نیست و انگار شهر ساکت است!

این وضعیت تنها محدود به چند پارک یا محله خاص در سیرجان نیست، بلکه به نوعی به یک «معضل عمومی» در بسیاری از شهرهای متوسط و کوچک کشور تبدیل شده است. نبود امکانات تفریحی رایگان و استاندارد، فشار مضاعفی را به خانواده‌ها وارد می‌کند. خانواده‌هایی که توان مالی محدودی دارند، در برابر خواسته‌های طبیعی فرزندانشان احساس ناتوانی و شرمندگی می‌کنند. همین موضوع به مرور می‌تواند به دلسردی والدین و حتی ایجاد فاصله عاطفی میان آن‌ها و فرزندانشان منجر شود.

کودکان نیاز به بازی و تحرک دارند؛ روانشناسان بارها تأکید کرده‌اند که بازی بخشی جدایی‌ناپذیر از رشد ذهنی، اجتماعی و جسمی کودکان است. وقتی امکانات رایگان و سالم وجود نداشته باشد، یا خانواده‌ها مجبور به پرداخت هزینه‌های سنگین برای تفریحات ساده می‌شوند، یا کودکان به سمت سرگرمی‌های ناسالم و حتی فضای مجازی کشیده می‌شوند. نتیجه‌اش نسلی است که نه لذت بازی‌های گروهی و فیزیکی را تجربه می‌کند و نه مهارت‌های اجتماعی لازم را به دست می‌آورد.

از سوی دیگر، کمبود روشنایی، وسایل فرسوده و غیرایمن پارک‌ها باعث می‌شود همین فرصت‌های محدود نیز عملاً غیرقابل استفاده باشند. بسیاری از والدین ترجیح می‌دهند فرزندشان در خانه بماند تا اینکه در پارکی تاریک و ناامن بازی کند. این مسئله به شکل مستقیم بر سلامت جسمی کودکان تأثیر منفی می‌گذارد؛ چرا که تحرک آن‌ها کمتر و استفاده از گوشی و تلویزیون بیشتر می‌شود.

اگر نیم‌نگاهی به شهرهای بزرگ داشته باشیم، متوجه می‌شویم که بخش عمده جذابیت فضاهای شهری در آن‌ها به دلیل همین امکانات رایگان است. پارک‌هایی با وسایل بازی استاندارد، زمین‌های ورزشی در دسترس عموم، پیاده‌راه‌های روشن و امن،

پارک‌های بدون روشنایی، تاب‌های شل و ول معلق در هوا، سرسره‌های زنگ زده‌ی عهد عتیق از زمان‌های دور و چمن برهنه جزو وسایل و فضای به اصطلاح سبز پارک‌های سیرجان هستند که بعضاً برای آتش‌قلیان سوزانده شده‌اند و رد سیاهی‌اش باقی مانده‌ست. اما آنچه جزو جدایی‌ناپذیر تمام پارک‌های شهر و حاشیه‌ی شهر است ترامبولین است که حتی در دورترین روستاهای شهر هم وجود دارد و برای پدر و مادری که تمایل داشته باشند از پارک به عنوان یک مکان تفریحی رایگان برای سرگرم کردن بچه‌هایشان بهره ببرند، مانع است و پدر مادر را شرم‌منده می‌کند. این پدر که سه فرزند قد و نیم‌قد دارد می‌گوید: قدیم‌تر پارک یک جای مجانی بود و مادر و خاله‌ام با یک فلاسک چایی و پلاستیک تخمه همراهان می‌آمدند که هم‌زمان هم مراقب ما باشند هم خودشان از فضای خانه بیرون آمده باشند. اما الان برای من به عنوان پدر سوال هست که فرق بین پارک، شهربازی، خانه‌ی بازی چه هست؟ ترامبولین، قصر بادی، یک اسباب بازی که به زور حرکت میکند اما پولی هست میان پارک گذاشته شده و یک شخص در ازای یک ربع تا نیم ساعت پول می‌گیرد. وقتی اسم پارک می‌آید یعنی اینکه من به عنوان یک کارگر می‌خواهم بچه‌هایم را سرگرم کنم و نهایتاً یک بلال هم برایشان بخرم. شما در شهرهای بزرگ‌تر وقتی مثل من عیالوار هستی و از طبقات پایین جامعه باشی نگرانی از بابت سرگرم کردن بچه‌هایت نداری. می‌بری‌شان یک پارک خوش آب و هوا، تمیز و از همه مهم‌تر با تاب و سرسره و الاکنگ استاندارد و رایگان و خیالت راحت است که شرم‌منده زن و بچه‌ات نمی‌شوی. اینجا یک ساعت از غروب گذشته، پارک چنان تاریک می‌شود که از ترس اتفاق بد، بچه‌ات را می‌زنی زیر بغل و می‌روی. یعنی همان ساعتی که هوا خنک است و فضای پارک باید دل‌نشین باشد!

یا مثلاً سینما با فیلم‌های به روز و مناسب هر سنی، رونق دارد و سر

